

## ضرورت های تصحیح متون طبّی



دکتر **محمد ابراهیم ذاکر** از جمله پژوهشگران و مصححان فعالی است که در سالهای اخیر علاوه بر پرداختن به رشته تخصصی خودش، یعنی دندانپزشکی به تصحیح متون طبّی نیز مبادرت ورزیده است. او در این راه محضر استادانی چون علینقی منزوی و احمد منزوی را نیز درک کرده و آثاری چون *مرشد او الفصول و کتاب قولنج رازی و رساله قولنج ابن سینا، منصور فی الطب و ...* را تصحیح و منتشر کرده است. آنچه در ادامه می آید سرگذشت این پژوهشگر و مصحح از زبان اوست.

\*\*\*

**لطفا خودتان را معرفی کنید و بفرمایید با توجه به این که تخصص شما دندان پزشکی است چگونه با متون خطی آشنا شدید؟**

من محمد ابراهیم ذاکر فرزند شادروان شیخ حسین تهرانی / زمردی / ذاکر و شادروان سرکار خانم فاطمه منزوی دخت شادروان آیت الله شیخ آقابزرگ تهرانی / منزوی با آوازه صاحب الذریعه هستیم که در غروب پنجشنبه پانزدهم آذرماه ۱۳۳۵ خ / سوم جمادی دوم ۱۳۷۶ ق / ششم دسامبر ۱۹۵۶ م در شهر نجف خیابان یکم کوی جدید زاده شدم.

در پنج سالگی نزد ملای زنی شوشتی به آموختن ابجد و پس از قرآن جزو سیام و بیست و نهم پرداختم، ولی پس از یک سال چون آموزشگاه مختلط بود و من به سن تمیز رسیده بودم اخراج شدم و یک سال به مکتب شیخ نیشابوری در کوی عماره رفتم و به آموزش خط و قرآن و بوستان و گلستان پرداختم سپس به دبستان و دبیرستان علوی ایرانیان در نجف رفتم و تا کلاس یازدهم به همراه دروس مدارس عراقی و درس‌های مقدماتی حوزوی درس خواندم. دیپلم را در رشته طبیعی از دبیرستان شرافت ایرانیان در بغداد گرفتم سپس به ایران آمدم و به دانش‌اندوزی در دانشکده دندانپزشکی دانشگاه تهران پرداختم.

پیش از آن که کارهای نوشتاری خودم را به طور کامل معرفی کنم باید این را بگویم که من در حقیقت دندانپزشک هستم تا یک شخص ادیب و فرهنگی. افرادی که در میراث مکتوب کار می‌کنند در واقع به طور حرفه‌ای ادیب و فرهنگی و پژوهشگر کتاب‌های خطی با زمینه‌های علمی گوناگون‌اند و کارشان با فلسفه و عرفان و تاریخ است و دست‌افزارشان این علوم بوده و در این زمینه کار کرده و می‌کند و درس می‌دهند، ولی کار اصلی من دندانپزشکی است و سر و کار من با بیماران است و روپدادی است که تنها در مطب رخ می‌دهد در نتیجه با درس و کلاس و آموزگاری، پیوندی نزدیک ندارم و تنها به جهت داشتن یک سبغۀ تاریخی کارهای نوشتاری و یک ژن فرهنگ‌پروری در خانواده مادری و بهره‌وری از آوازه صاحب ذریعه به جهت نواده او بودن همگی دست به دست هم داد تا من بتوانم با آن که در این زمینه تحصیلاتی نداشتم، راهی دشوار را در میان این بزرگان برای خود بیابم. از این رو، مدتی پس از آمدنم به ایران و در کنار درس دندانپزشکی خواندم، در سال ۱۳۵۵، دایی من، دکتر علینقی منزوی، خواست که من هم به سهم خودم برای کمک به چاپ مانده جلد‌های دو دایره‌المعارف بزرگ «الذریعه الی تصانیف الشیعه» و «طبقات اعلام الشیعه» زنده‌یاد آیت الله شیخ آقابزرگ تهرانی پدر بزرگم به اندازه دانش خودم با ایشان هم کاری داشته باشم؛ زیرا چاپ ذریعه و طبقات به

عهده فرزندان شیخ، زنده‌یاد دکتر علی‌نقی و استاد احمد منزوی بود. ایشان در کنار کارهای پژوهشی و علمی خود، کار چاپ این دو دایره‌المعارف گسترده‌نویسی شده را در کنار پدر در تهران و بیروت و دوباره تهران به عهده داشتند؛ بنابراین من هم به اندازه خودم او را یاری رساندم؛ البته آن زمان، دو جلد آخر ذریعه ۲۴ و ۲۵ آماده چاپ شده بودند. پیش از آن هم، زمانی که در عراق بودم، یک کار در ارتباط با کتاب چند جلدی جغرافیایی رزم‌آرا کرده بودم. فکر کنم ۱۶-۱۵ سال داشتم؛ البته کار از آن شخصی دیگر بود، من تنها کارهای پادویی و رونویسی کردن‌های آن را دنبال می‌کردم. ما شهرها و روستاهای ترک‌زبان آن مجموعه را در می‌آوردیم. بعدها فهمیدم خود آن شخص ترک بوده و خواسته آمار ترک‌زبان‌های ایران را در بیاورد. وقتی به ایران آمدم دایی من خواست روی ذریعه کار کنم. او بخش‌هایی از کتاب طبقات را در بیروت چاپ کرده بود و بخش‌هایی که در تهران بودند باید از سیاهه در می‌آمدند و فیش بندی می‌شدند؛ سپس فیش‌ها مرتب می‌شد و کتاب تصحیح می‌گشت و پس از آن آماده برای حروف‌چینی و کارهای لازم چاپ، فرستاده می‌شدند. من جلد‌های مربوط سده نهم تا دوازدهم طبقات اعلام الشیعه را رونویسی برای فیش‌بندی برپایه الفب کردم و پس از حروف‌چینی هر سده [جلد]، به گردآوری نمایاهای پایانی کتاب اقدام کردم و نیز گاهی کمک به غلطگیری‌های چند باره می‌نمودم.

بیشتر کارم در ذریعه رونویسی نام اعلام [به عنوان مولف / مترجم / مهدی الیه / مهدی / کاتب / مالک و یا هر نام متفرقه و علامت خاص هر کدام] از جلد‌های چهاردهم تا ۲۵ حرف «ش / شرح قصیده» تا «ی / یونسیه» و پس از آن جلد ۲۶ [مستدرک]، به جز جلد هفدهم آن بود سپس به مرتب کردن همه جلد‌های ۲۹ گانه آن برپایه الفب و نیز تاریخ‌دار نمودن هر نام [سال زایش / مرگ و یا تاریخ تالیف / ترجمه / رونویسی و یا تقریب سده‌ای زیستی فرد] بود که پس از سال‌ها در سه جلد با نام اعلام ذریعه الی تصانیف الشیعه در سال ۱۳۷۷ خ به چاپ رسید. مجموعه این فعالیت‌ها ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۶ بود که با اخراجم از دانشکده از خرداد ۱۳۵۹ تا مهر ۱۳۶۶ شتاب بیشتری پیدا کرد، زمینه‌ای شد تا بر روی ذریعه و طبقات و مجموعه سه جلدی اعلام و کمک به چاپ جلد سوم نامه‌های عین القضاة و سیمرغ گردآوری و تالیف دایی‌ام بیشتر کار کنم.

### اخراج از دانشگاه؟

بله. من با تعطیلی دانشگاه‌ها در خرداد ۱۳۵۹ اخراج شدم، هر چند هفت سال از زندگی عقب افتادم، ولی به جایش خشنود بودم که میراث نوشتاری نیاکانم را پاس می‌دارم تا آن که در مهر سال ۱۳۶۶ به دانشگاه بازگشتم و در یکم خرداد ۱۳۶۹ از پایان‌نامه‌ام دفاع کردم و فارغ‌التحصیل شدم. من از سال ۶۶ کارهای فرهنگی و نوشتاری را به طور کامل کنار گذاشتم. پس از ۷ سال دوری از درس به طور جدی نشستم و دندانپزشکی خواندم. پس از فارغ‌التحصیل شدن بیست و هفت ماه در تهران [سه ماه] و رشت [بیست و چهار ماه] سربازیم را گذراندم سپس به دنبال گذراندن طرح خارج از مرکز خدمات پزشکی به خوزستان [هفت ماه سوسنگرد، چهار ماه بستان، چهارده ماه هویزه، نه ماه حمیدیه] رفتم. گزینش این جاها برای آن بود که بتوانم هر چه زودتر به تهران بازگردم بودم؛ به این دلیل سال ۷۴ به تهران برگشتم. از آن جا که ما به طور خانوادگی وارث کتاب بودیم و ارث مالی برای هم نمی‌گذاشتیم، برگشتم به تهران نیازمند کار مستمر شبانه‌روزی برای به دست آوردن درآمد بود. به همین دلیل پیوسته و شبانه‌روز کار می‌کردم تا بتوانم یک زندگی متوسط را برای خود جمع و جور کنم. بعد از سال ۷۸-۷۹ دوباره به کارهای فرهنگی مشغول شدم. بخشی از تاریخ پزشکی را مطالعه و جمع‌آوری کردم. فعالیت‌های فرهنگی من تقریباً از دهه ۸۰ به صورت فعال، مستقل شد. پیش از آن هر کاری می‌کردم به صورت جنبی یا برای دایی و یا برای پدر بزرگم بود. از سال ۸۰ کارهایی به نام خودم و با نام خودم شروع شد. ابتدا به صورت مقاله بود و بعد کتاب.

تا کنون چند اثر از شما به چاپ رسیده است؟

از سال ۸۰ تا کنون به صورت پیوسته حدود ۱۲ جلد کتاب، بین هژده مقاله و چیزی حدود پانزده سخنرانی از من پخش شده است، البته بیشتر سخنرانی‌هایم در کنگره‌های دندان‌پزشکی خودمان و کنگره‌های تاریخ پزشکی، بوده است. می‌دانم که در این زمینه افرادی به صورت فعال کار کردند و می‌کنند و تقریباً همهٔ ایشان افراد حرفه‌ای هستند و البته در زورآزمایی با آنها برنده من نیستم، چون آنها از فرهیختگان همه کارهٔ این عرصه هستند؛ زیرا حرفه و تخصص ایشان همین کارهای فرهنگی است. یکی دو تا از همکاران دندان‌پزشک من هم در زمینهٔ کارهای فرهنگی فعالیت داشته و دارند. آقای دکتر سید حسین رضوی برقی یکی از آن هاست. ایشان در قم زندگی می‌کند، البته شنیدم که از اول کار دندانپزشکی دنیال نکرد. گویا آن قدر توانمندی داشته که توانسته است مدرک دندانپزشکی خود را قاب دیوار بگیرد و به کارهای فرهنگی و پژوهشی تاریخ پزشکی بپردازد. من فعالیت ایشان را بیشتر در این زمینه دیدم. تقریباً می‌توان گفت از دهه ۷۰ در این کار بوده است، دستکم از دهه ۷۰ از ایشان اطلاعات بیرون آمده است. با این که از لحاظ سنی از من کوچک تر است نسبت به من بسیار ورزیده تر، پیشکسوت و توانمندتر هستند، چون هم با سابقه‌تر و هم حرفه‌ای‌ترند. یک کتاب مشترک به نام حفظ‌البدن هم با ایشان داشتم. این کتاب را من برای میراث مکتوب کار کردم و تصحیح مقدمه‌نویسی کردم که یک کتاب خطی از امام فخر رازی (۵۴۵ - ۶۰۶ ق / ۱۱۵۰ - ۱۲۰۹ م) بود.

### تفاوت کار شما با تصحیح دکتر برقی در چیست؟

نباید من کار خودم را با کار او بسنجم؛ دیگران باید این سنجش را انجام دهند، ولی می‌دانم که او در این زمینه پیشکسوت من است، باتجربه‌تر و کارآموده‌تر است، ولی با یک بررسی سرانگشتی می‌توان گفت که:

۱) کار من یک نسخه بدل داشت که کار دکتر برقی فاقد آن است. نسخهٔ بدل من از کمبریج بود. نسخه اصل هر دوی ما از کتابخانه ایاصوفیای ترکیه بود؛

۲) من زندگی‌نامهٔ او را از کتاب «عیون الانباء فی طبقات الاطباء» نوشتهٔ ابن‌ابی‌اصیبه (۶۰۰ - ۶۶۸ ق / ۱۲۰۳ - ۱۲۷۰) به طور کامل به پارسی برگردانم و در آغاز کتاب گذاشتم که نزدیک‌ترین تاریخ پزشکی نویسنده روزگار امام فخر رازی بوده است؛ البته من این کتاب تاریخ پزشکی به طور کامل برگردانم و اکنون زیر چاپ است. امیدوارم به زودی وارد بازار شود. مدتی است که من آن را برای چاپ داده‌ام ولی با این وضعیت تورم و بحران مالی هنوز منتشر نشده است؛

۳) کار جالب دیگری هم نیز در این کتاب [حفظ‌البدن] انجام داده‌ام و آن سیر تاریخ حفظ‌البدن نویسی و چگونگی پایدن تندرستی است که من آن را فراهم آوردم و در مقدمهٔ کتاب آوردم. آن سیر تاریخ حفظ‌البدن نویسی از روزگار پیش از هجرت از یونان باستان تا هند و ایران تا زمان امام فخر رازی است. هر کسی در این باره نوشته‌ای داشته چه به طور کلی فراگیر برای همهٔ آدمیان با نام حفظ‌البدن و یا تدبیر‌الصحة و یا حفظ‌الصحة باشد و یا برای گروهی از مردم مانند کودکان و یا زنان و یا پیران و یا در زمان مسافرت و یا دوران بارداری باشد. حتی بخش‌هایی از کتاب‌های الهی مانند قرآن، انجیل، تورات، اوستا، و ونیداد که همه دارای یک بخش حفظ‌البدن بودند و یا حتی کتاب‌هایی چون بحار الانوار یا اصول کافی که بخش تاریخ پزشکی دارند و عمدتاً روایت‌هایی در ارتباط با حفظ‌البدن است که من آنها در مقدمهٔ سیر تاریخ حفظ‌البدن نویسی از آن استفاده کردم؛

۴) همچنین فکر می‌کنم پانوشت‌های کتاب من بهتر و پزشکی‌تر و برای برابری آن با پزشکی نوین برتر و بهتر است؛ البته هر کسی از کار خود تعریف می‌کند ولی با این همه اذعان دارم و قبول دارم که دکتر برقی پیشکسوت و با تجربه‌تر از من است.

### در خصوص کتاب‌هایی که در زمینهٔ تاریخ پزشکی فراهم آوردید، کمی صحبت کنید.

کتاب‌هایی که من در ارتباط با تاریخ پزشکی گردآوری کردم، چند بخش است: بخشی ترجمهٔ متون پزشکی است. گروهی دیگر از آنها پژوهش و تصحیح کتاب‌های خطی است. سری سوم گردآوری است و مقداری دگرگون‌سازی زبان پارسی سده سوم تا

ششم هجرت به پارسی روز است. در همه این نوشته‌ها معادل‌یابی اصطلاحات پزشکی کهن با پزشکی نوین مد نظر بوده است. همچنین به هم نزدیک‌تر کردن پزشکی کهن با پزشکی روز است. قسمت عمده کارهای من با این پانویست‌ها پر شده و شرح و گزاره هر اصطلاح پزشکی به زبان گذشته و به زبان پزشکی نوین آمده است.

### اگر ممکن است آثار خود را با کمی توضیحات برای ما معرفی کنید

نخستین کتاب من «مرشد او الفصول» بویکر محمد فرزند زکریای رازی (۲۵۱ - ۳۱۳ق) است که برگردان به پارسی این کتاب را دانشگاه تهران با کمک موزه تاریخ علوم پزشکی ایران وابسته به دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۴ چاپ کرد. با مقدمه‌هایی از زنده‌یاد دکتر علی‌نقی منزوی و استاد احمد منزوی و آموزگار دیگرم دکتر شمس شریعت تربقان است. همچنین سرکار خانم دکتر زهرا پارساپور ویرایش آن را به عهده داشت

کتاب دوم «کتاب قولنج رازی و رساله قولنج ابن‌سینا» بود که برگردان به پارسی مرکز تحقیقات طب سنتی و مفردات پزشکی وابسته به دانشگاه شهید بهشتی در سال ۱۳۸۵ چاپ کرد. زندگی‌نامه این دو اندیشمند را از زبان ابن‌ابی‌اصیبه به پارسی برگرداندم.

سومین کتاب «منصوری فی الطب» رازی بود که برگردان این هم دانشگاه تهران چاپ کرد و از کتاب‌های حجیم رازی در ده گفتار یا ده کتابچه است. مقدمه‌ای از آموزگارنام استاد عبدالله انوار و دکتر شمس شریعت تربقان ارزش آن را افزوده‌اند. همچنین سیری از کتاب‌های دست‌نویس آن را در ایران و سراسر جهان را در مقدمه کتاب بازگو کردم.

کتاب چهارم من «تدارک الخطأ» است که به نوعی حفظ البدن است و از آثار ابن‌سینا به شمار می‌آید. دکتر سید محمد صدر که در دانشگاه سوربن در حال تحصیل در رشته تاریخ پزشکی است، مشغول تحقیق و پژوهش و تصحیح این کتاب بود. به طور اتفاقی در یک جمععی در مرکز تحقیقات اخلاق پزشکی دانشگاه شهید بهشتی بودیم که متن تصحیح نشده کتاب را به من داد و بنا شد همزمان با تصحیح آن من نیز به ترجمه کتاب تدارک الخطأ پردازم تا با هم برای چاپ آماده شوند. کار تحقیقی ایشان نیمه کاره ماند. ایشان به فرانسه رفت و من مجبور شدم برای ترجمه متنی را که خودش داد، دست‌نویشته مجلس بود، با یک متن دیگری از کتابخانه جلاله ترکیه، هم مقایسه و برابرخوانی و هم ترجمه کردم. این کتاب ۸۸ توسط مرکز اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه شهید بهشتی چاپ شد. ویرایش کتاب را آموزگارم دکتر غلامرضا جمشیدنژاد اول به انجام رساندند.

کتاب پنجم من کتابی بود که به سیر تاریخ دانش دندان‌پزشکی در سه سده می‌پرداخت. کتاب دربرگیرنده متون دانش دندان‌پزشکی کهن ایران از سال ۲۳۶ تا ۵۲۱ق است. این کتاب دربرگیرنده چند بخش بود: ۱) بخشی ترجمه متون پزشکی - دندان‌پزشکی چاپ شده بود، مانند: فردوس الحکمه علی فرزند سهل ربن تبری و مقاله فی حفظ الاسنان و استصلاحها و جلد سوم حاوی فی الطب و احسن التقاسیم و منصور فی الطب رازی بود؛ ۲) بخش‌هایی [کتاب ششم تا دهم] از دست‌نویشته‌های ذخیره خوارزمشاهی را که شادروانان استاد ایرج افشار و استاد دانش‌پژوه به صورت چاپ فکسیمیله در آورده بودند، از پارسی سده ششم به پارسی روز درآوردم و نیز پنج کتاب نخست آن [یکم تا پنجم] را که فرهنگستان علوم پزشکی در سال ۱۳۸۰ چاپ کرد و کتاب هدایه المتعلمین بویکر ربیع اخوینی بخارایی و یادگار و اغراض الطیبه مباحث العلایه را به همین گونه انجام دادم؛ ۳) بخش‌هایی از دست‌نویشته معالجات بقراطیه بوحسن احمد فرزند محمد تبری را از روی دست‌نویشته ترجمه کردم. ۴) بخش‌هایی نیز مانند کامل الصناعه الطیبه علی فرزند فرزند عباس اهوازی زرتشتی چاپ سنگی بود، که به پارسی برگرداندم؛ ۵) بخش‌هایی مانند حاوی فی الطب جلد بیست و بیست و یک و قانون ابن‌سینا، کتاب‌هایی‌اند که به وسیله بزرگانی مانند پیشکسوتان این عرصه دکتر سلیمان پورافشاری و شادروان شرف‌کندی [هه‌ژار] پیش از این‌ها به پارسی برگردانده شده بودند که متن ایشان را پایه کار گذاشتم و تنها بخش‌هایی از آن‌ها با متن اصلی برابرخوانی کردم؛ سیری در سده دانش دندان‌پزشکی دربرگیرنده پانزده جلد کتاب از نه نویسنده ایرانی، از

روزگار علی تبری فرزند سهل ربن (ز: ۲۳۶ق) تا سید اسماعیل جرجانی (د: ۵۳۱) است، همه کتاب‌ها گسترده‌نویسی شده و گُناش گونه‌اند، که شامل پزشکی‌دندان‌پزشکی‌اند، به جز یک کتاب مستقل دندان‌پزشکی به نام مقاله فی حفظ الانسان و استصلاحها بود که نوشته حنین فرزند اسحاق عبادی (۱۹۴ - ۲۳۶ق) بود. دهخدا، او را نیشابوری‌تبار به شمار آورده بود که در حیره بیست کیلومتری شهر نجف به سال ۱۹۴ به دنیا آمده بود. گویند: او در گندی‌شاپور درس خوانده یا دستکم استادانی و آموزگاران از گندی‌شاپور مانند ماسویه و فرزندش ابن‌ماسویه داشته است. و نیز جلد سوم حاوی فی الطب درباره بیماری‌های گوش و بینی و دندان می‌بود که نزدیک به دو سوم کتاب سیصد و اندی صفحه‌ای چاپ دکن - حیدرآباد درباره بیماری‌های بافت‌های سخن و نرم دهان و به ویژه دندان بود که من عنوان آن را بیماری‌های گوش و حلق و بینی و دهان گذاشتم. این کتاب بعدها به طور مستقل چاپ شد. این کتاب با همیاری انجمن دندان‌پزشکی ایران و مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی و دانشگاه شهید بهشتی به مناسبت پنجاهمین کنگره بین‌المللی انجمن در اردیبهشت سال ۱۳۸۹ پخش شد.

کتاب ششم من جلد چهارم کتاب حاوی فی الطب رازی بود که در مورد بیماری‌های شش است. این کتاب با همیاری مرکز تحقیقات طب سنتی و مفردات پزشکی و دانشکده طب سنتی دانشگاه شهید بهشتی به سال ۱۳۸۹ چاپ رسید.

کتاب هفتم با نام جستاری در تاریخ و فلسفه پزشکی اسلامی و جایگاه دانش پزشکی و گروه‌بندی آن در کتاب‌های چند دانشی [دایره‌المعارف] اسلامی بود که در مقدمه آن سیر تاریخی دایره‌المعارف نویسی را برداشتی از ذریعه جلد هشتم از پیش از اسلام در سراسر جهان گردآوری کردم سپس به بررسی نزدیک به پنجاه کتاب دایره‌المعارفی، مانند: حاوی فی الطب رازی (۲۵۱-۳۱۳ق)؛ و احصاء العلوم فارابی (د: ۲۳۹ق)؛ و جوامع العلوم شعیا فرزند فریغون (ز: ۳۴۴)؛ تا مقابسات بوحیان توحیدی (د: ۴۰۰) و کتاب شفا ابن‌سینا (۳۷۰ - ۴۲۸ق)؛ تا کیمیای سعادت غزالی (۴۵۰ - ۵۰۵ق) تا جامع العلوم امام فخر رازی (۵۴۵ - ۶۰۶ق)؛ دره التاج قطب‌الدین شیرازی (۶۳۴ - ۷۱۰)؛ و مفتاح العلوم سکاکی (د: ۶۲۶ق)؛ و نفایس الفنون املی (د: ۷۵۳ق)؛ تعریفات سید شریف جرجانی (۷۴۰ - ۸۱۶ق)؛ مفتاح السعاده طاش‌زاده کبری (۹۱۰ - ۹۶۸ق)؛ کشف الطنون حاجی خلیفه چلبی (۱۰۱۷ - ۱۰۶۷ق)؛ جنات الخلود امامی مدرس (ز: ۱۱۲۸ق)؛ کشف اصطلاحات الفنون محمدعلی تهانوی (۱۱۵۸ق)؛ مطلع الانوار واجدعلی خان صاحب هندی (ز: ۱۲۶۲ق)؛ تقسیم العلم ابو‌عبدالله زنجانی (ز: ۱۲۱۲ق) است که با مقدمه‌ای از دکتر فرید قاسملو و با همیاری مرکز تحقیقات طب سنتی و مفردات پزشکی دانشگاه شهید بهشتی به سال ۱۳۸۹ چاپ رسید.

کتاب دیگرم و هشتمین آن، حفظ البدن امام فخر رازی بود که مرکز پژوهشی میراث مکتوب آن را به سال ۱۳۹۰ چاپ کرد که جا دارد از کارکنان و گردانندگان این مرکز پژوهشی، به ویژه ریاست محترم آن، اندیشمند ایران‌دوست دکتر ایرانی گرانمایه سپاسگزاری نمایم؛ البته پیش از این به گسترده‌گی درباره آن گفتگو کردیم.

جلد پنجم حاوی فی الطب که نهمین کتاب من است، درباره بیماری‌های گوارشی معده و مری بود به سال ۱۳۹۰ با همیاری مرکز تحقیقات طب سنتی و مفردات پزشکی و دانشکده طب سنتی دانشگاه شهید بهشتی به چاپ رسید.

دهمین کتابم: کتاب فردوس الحکمه علی فرزند سهل ربن تبری (ز: ۲۳۶ق) است در سال ۱۳۹۱ منتشر شد. این کتاب اثر مشترک من و دایمی‌ام شادروان دکتر علینقی منزوی بود. گویا ایشان کتاب را اواخر دهه ۷۰ و آغاز ۸۰ با انجمن آثار مفاخر فرهنگی کار کرده بود، ولی به علت بیماری آن را کنار گذاشته و نتوانست به پایان رساند. دکتر مهدی محقق مرا دید و چون سه چهار کتاب از من در آمده بود پیشنهاد اتمام کار را به من داد و گفت: «حیف است که این کتاب نصفه کاره بماند». تقریباً یک متن ۶۶۰ صفحه‌ای بود که ۱۵۰ صفحه‌اش کار شده بود. زمانی که این کتاب آماده چاپ شد دکتر مهدی محقق هنوز در انجمن آثار مفاخر فرهنگی سر کار بود، ولی در حال رفتن بود. به او گفتم این کتاب آماده است. ایشان گفتند شخص دیگری به نام دکتر مدنی در بابل یا بابلسر هم این کتاب را آماده کرده و یک‌سوم آن را چاپ کرده است. دکتر مهدی محقق از کار برکنار و بازنشست شد و یا به هر دلیل از انجمن آثار مفاخر فرهنگی برداشته شد و کار چاپ کتاب معلق ماند؛ تا این که مرکز تحقیقات طب سنتی دانشگاه شهید بهشتی

آن را در سال ۹۱ چاپ کرد و به بازار آورد. البته بیش از یک سال این کتاب به همراه جلد سوم و پنجم حاوی فی الطب رازی در وزارت ارشاد نگاه داشته شد. دلیل آن محرماتی بود که به عنوان دارو مصرف در آن زمان می‌شده است و نام آن‌ها در این کتاب‌ها یاد شده بود. شراب چیزی بوده که همیشه داروی واسطه و نگهدارندهٔ دیگر داروها، به گونهٔ شربت و آشامیدنی بوده و اکنون نیز همانند آن الکل است. در همه داروها شراب بوده و هست. دکتر ایرانی برای چاپ این سه کتاب بسیار به من کمک کرد یادآوری نمود که این کتاب‌های تاریخ پزشکی‌اند و با گذاشتن نامه‌ای هشدارگونه در آغاز کتاب یادآوری لازم به خوانندگان داده شد.

کتاب یازدهم من جلد سوم حاوی فی الطب رازی دربارهٔ بیماری‌های گوش و بینی و دهان و دندان است. نخست دو سال در فرهنگستان علوم پزشکی خاک خورد سپس یک سال و اندی در وزارت ارشاد ماند که چگونگی اجازه گرفتن آن بازگو شد، با آن که دکتر ولایتی مقدمه‌ای مشترک بر روی جلد‌های ۲۰ و ۲۱ کار دکتر افشاری‌پور و جلد ۲۲ سرکار خانم دکتر غفاری و جلد‌های سوم و چهارم و پنجم و ششم کار من نوشته بود، دچار چنین سرنوشتی شد. امیدوارم جلد‌های ماندهٔ آن دیگر دچار چنینی سرنوشتی نشوند. این کتاب با همکاری مرکز تحقیقات طب سنتی و مفردات پزشکی و دانشکده طب سنتی دانشگاه شهید بهشتی به سال ۱۳۹۱ چاپ رسید.

دوازدهمین کتابم جلد ششم حاوی فی الطب دربارهٔ چگونگی تهی سازی تن از هر گونه فزونی به جا مانده از چهار گوارش تن و چگونگی فربه شدن و یا لاغر گشتن آدمی است. اصطلاحی در پزشکی کهن به نام استفراغ است که من برگردان پارسی آن را تهی سازی گذاشته‌ام. پزشکی کهن باور به چهار گونه گوارش داشت: گوارش معده، گوارش جگر، گوارش عروقی، و گوارش اندامی است و در هر گوارش فزونی‌هایی به دست می‌آیند که باید رانده شوند. این دفع به صورت‌های گوناگون صورت می‌گیرد و می‌تواند از تف کردن آب دهان یا آب بینی و عرق کردن گرفته تا خروج آب زرنیه و یا مالدینه / منی و مو و ناخن و پیشاب و بیخال / پس‌ماندهای روده‌ای را فراگیرد. من پس‌ماندهای روده‌ای / مدفوع را در همهٔ نوشته‌هایم بیخال یاد کرده‌ام. کوشش در پارسی نویسی یکی از آرزوهایم است که کوشش کرده‌ام آن را در همهٔ کارهایم پیاده کنم و به آن پای‌بند باشم؛ البته بر پارسی نویسی سره خیلی پافشاری نکرده و نمی‌کنم، ولی بر این باورم، چنانچه واژه‌ای پارسی درست و به جا داشته باشیم، چرا باید از واژهٔ برابر آن جز پارسی بهره ببریم؟ و این روندی است که در این دوازده کتاب آورده شده و در دیگر کتاب‌هایی که در آینده پخش خواهند شد، خواهم آورد.

### در حال حاضر کاری آماده چاپ دارید؟

(۱) بخشی از کتاب عیون الانباء فی طبقات الاطباء نوشتهٔ ابن‌ابی‌اصیبه (۶۰۰ - ۶۶۸ق) را که در حدود یک‌سوم کتاب می‌شد شادروان جعفر غضبان و با مقدمهٔ دکتر محمود نجم‌آبادی سال ۱۳۴۹ ۴۳ سال پیش در چاپخانهٔ دانشگاه تهران چاپ کرده بودند. من نخست بخش‌های ترجمه نشده را کار کردم. بعد دیدم پیدا کردن و دسترسی به بخش ترجمه شده ۴۳ سال پیش بسیار دشوار خواهد بود؛ بنابراین تصمیم گرفتم بخش‌های ترجمه شدهٔ آن را هم دوباره ترجمه کنم. خانم دکتر زهرا حیدری از سوی جامعهٔ گیاه‌درمانی بر آن شدند تا آن را به چاپ برسانند که از مهر ماه ۹۱ تا کنون زیر چاپ است. امیدوارم هر چه زودتر منتشر شود. خانم دکتر حیدری قول داده با کمک جهاد دانشگاهی کتاب را تا یکی دو ماه دیگر چاپ کند.

(۲) دو مقدمهٔ کتاب خطی را به گونهٔ مشترک با آموزگارم دکتر غلامرضا جمشیدنژاد اول کار کردیم و اکنون آمادهٔ چاپ است. دکتر جمشیدنژاد استاد من هستند. من سال ۸۵ در مرکز تحقیقات اخلاق پزشکی با ایشان آشنا شدم خیلی چیزها از او یاد گرفتم. البته آموزگاران نخستینم دایی‌هایم بودند. هیچ گاه نمی‌توانم آموزش‌ها و کمک‌های آن بزرگواران را فراموش کنم. آموزگارم: استاد احمد منزوی که زنده هستند و زنده یاد دکتر علینقی منزوی و استاد عبدالله انوار و شادروان ایرج افشار بوده‌اند. در حفظ البدن از استاد ایرج افشار کمک زیادی گرفتم؛ یادش به خیر. سال ۸۵ که با دکتر جمشیدنژاد در مرکز تحقیقات اخلاق علوم پزشکی دانشگاه

شهید بهشتی آشنا شدم. او درس چگونگی خواندن و کار کردن و پژوهش کتاب‌های خطی پزشکی برای ما گذاشت. او مقدمه کتاب مجمع النفایس را به عنوان کتاب آموزشی ما برگزید، از آن جا که من از پیگیری آن خوشم آمده بود بنابراین در هنگام آموزش، بر آن شدم تا زمان را هدر ندهم و با دکتر در این باره گفتگو کردم، قرار شد کتابی را که در حال تائیس بودم با کمک همدیگر به اتمام برسانیم. نخست مقدمه کتاب مجمع النفایس و حجة العرایس تاپ و تصحیح و ترجمه کردیم، سپس فهمیدیم در حقیقت دو کتاب مجزا هستند. گردآورنده کتاب مجمع النفایس، سالک‌الدین محمد حموی (ز: ۱۰۳۲ق)، ۷۲ نسخه از متن‌های پزشکی کهن به زبان عربی را برای خود رونویسی کرده و در این مجموعه گرد آورده است. حموی می‌خواسته که در کتاب دیگر خود حجة العرایس نیز ۷۲ رساله پزشکی به زبان پارسی را در آن رونویسی کند، ولی گویا نتوانسته و یا چشم از جهان فرو بسته، چون بخشی از آن را یکی دیگر رونویسی کرده است. شمار نسخه‌های رونویسی شده آن ۴۴ تاست. ما مقدمه مجمع النفایس را که عربی بود تصحیح کردیم و سپس ترجمه نمودیم و در کنار آن‌ها مقدمه کتاب حجة العرایس را آوردیم که به زبان پارسی بود. چیزی حدود سیصد چهارصد صفحه گردآوری شده و کار خوبی از آب درآمد. امیدواریم مجلس کمک کند تا بتوانیم آن را چاپ کنیم. دکتر جمشیدنژاد با آقای ایمانی گفتگویی داشته‌اند، گویا فراری برای پس از تعطیلات عید گذاشته‌اند تا قرارداد چاپ بسته شود.

۳) کار کتاب خطی دیگر هم مشغول هستم که این اثر نیز با راهنمایی دکتر ایرانی برایم برگزیده شد. دکتر ایرانی کتاب الحاصل فی اوجاع المفاصل ترجمه اندیشمندی بی نام از سده هفتم هجرت را به من داد که این نسخه خطی از کتابخانه اباصوفیه یا کتابخانه فتح ترکیه بود. این کتاب ترجمه فی علاج المفاصل رازی بود؛ بنابراین بایسته دیدم اصل عربی را آن به دست آورم، سپس هر دو را در کنار هم تصحیح و پژوهش نمایم. هنوز کارش تمام نشده است.

۴ و ۵) جلد‌های هفتم و هشتم حاوی فی الطب اولی درباره بیماری‌های پستان، دل، جگر، سپرز یا طحال و دومی [جلد هشتم] درباره بیماری‌های روده‌ای برای چاپ در اختیار دکتر محمود مصدق رییس مرکز تحقیقات طب سنتی و مفردات پزشکی و رییس دانشکده طب سنتی دانشگاه شهید بهشتی گذاشتم.

بایسته گفتن است دکتر محمود مصدق یکی از تشویق کنندگان من در دنبال کردن رشته تاریخ پزشکی است. اوست که مرا باور کرد و راهم را برای چاپ کتاب‌هایم هموار کرد. او آموزگار و راهنمایم در زمینه تاریخ علم بوده و هست. او انسانی فرهیخته و دانش‌پرور و ایران‌دوست و در زمینه کار پژوهشی در تاریخ پزشکی آموزگاری نستو و در زنده کردن میراث نوشتاری پزشکی کهن خستگی‌ناپذیر است.

۶) پژوهش و برگردان جلد نهم حاوی فی الطب نیز به پایان رسیده است و تنها ویرایش آن باقی است. آن هم درباره بیماری‌های زنان است.

۷) مدتی کوتاه است در حال ترجمه جلد دهم هستم که در مورد بیماری‌های سیستم پیشابی یا به قول امروزه سیستم ادراری است و قسمتی از آن انجام شده است.

این‌ها کارهایی‌اند که تا این جا انجام داده‌ام و یا در حال انجام دادن آن‌هایم.

### **در پایان اگر صحبتی هست درباره رازی و یا آثاری که تا کنون انجام دادید، بفرمایید.**

باید این نکته را بگویم که برای من خیلی جالب است که رازی ۱۱۰۰ سال پیش ۲۲-۲۴ جلد کتاب و هر کدام درباره بیماری خاص را جمع آوری کرده است. به نظر من شاهکار است. اگر چه ما ابن‌سینا را هم داریم، اما من همیشه می‌گویم ابن‌سینا فیلسوفی پزشک بوده در حالی که رازی پزشکی فیلسوف بود. رازی واقعا مرد کلینیکال بوده و جایگاهش تنها در بیمارستان‌ها بوده است. امیدوارم که بتوانم شخصیت و آثار ارزشمند این اندیشمند بزرگ را بهتر و بیشتر برای علاقمندان معرفی کنم.

دکتر محمد ابراهیم ذاکر از جمله پژوهشگران و مصححان فعالی است که در سالهای اخیر علاوه بر پرداختن به رشته تخصصی خودش، یعنی دندانپزشکی به تصحیح متون طبّی نیز مبادرت ورزیده است. او در این راه محضر استادانی چون علینقی منزوی و احمد منزوی را نیز درک کرده و آثاری چون *مرشد او الفصول و کتاب قولنج رازی و رساله قولنج ابن سینا ، منصور فی الطب و ...* را تصحیح و منتشر کرده است.

منبع: موسسه پژوهشی میراث مکتوب